سالک در طب سنتی ایران

محمود مصدق*، فرزانه نقیبی، محمد صدر

مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

چکیده

حکمای ایرانی بیماری لشمانیوز را از سالها پیش می‌شناخته‌اند. نوع جلدی آن، سالک، در متون طب سنتی به ریش بلخی تعبیر شده است. در این مقاله ضمن بررسی سالک، آرای طبیبان گذشته، خصوصاً حکیمان دوره اسلامی از نظر پیدایش و نحوه درمان آن بررسی می شود.

واژگان کلیدی: سالک، ریش بلخی، لشمانیوز

۱. مقدمه

رد پای سالک را بایستی در زمانهای بسیار دور جستجو کرد. ظروف سفالین به دست آمده از دوره‌های ما قبل سرخپوستان ناحیه اکوادور و پرو، نشانگر تصاویری از ضایعات پوستی و بدشکلی‌هایی در صورت انسانها است که به طور نسبتا دقیقی نشانگر ضایعات پوستی و پوستی- مخاطی سالک می‌باشند. گزارشهای دیگر نشانگر آشنایی پزشکان یونانی و مسلمان ایرانی با این بیماری است.

۲. سالک در پزشکی جدید

لشمانیوز مجموعاً به بیماریهای بالینی اطلاق می‌شود که بوسیله پروتوزای داخل سلولی از جنس لشمانیا ایجاد می‌شوند. این بیماری در نواحی اکولوژیک متنوع و گسترده‌ای از جهان در نواحی گرمسیری، نیمه گرمسیری و اروپای جنوبی آندمیک است (۱). عامل بیماری نوعی انگل داخل سلولی است و جوندگان و سگ سانان، مخزن معمولی و انسان نیز میزبان اتفاقی آن محسوب می‌شوند. اشکال مختلف بالینی آن را می‌توان به سه دسته: لشمانیوز پوستی، لشمانیوز مخاطی و لشمانیوز احشایی طبقه بندی کرد. نوع پوستی دنیای قدیم (آفریقا، آسیا، مدیترانه، اروپای جنوبی) توسط ل. تروپیکا[1] و ل.ماژور[2] و ل.اتیوپیکا[3] و لشمانیوز پوستی دنیای جدید (آمریکای مرکزی و جنوبی) توسط ارگانیسمهای مجموعه ل. مکزیکانا[4] و زیر جنس ویانیا[5]، لشمانیوز مخاطی توسط برخی از گونه‌های ویانیا و لشمانیوز احشایی عمدتاً توسط مجموعه لشمانیا دونووانی[6] ایجاد می‌گردند. اصولاً بیماری به علت گزش نیش نوعی پشه خاکی ماده از جنس فلبوتوموس[7] (در دنیای قدیم) و لوتزومیا[8] (در دنیای جدید) پدید می‌آید. در هنگام خون‌خواری پشه از پوست بدن بیمار انگلهای تاژک‌دار که در مرحله پروماستیگوت قرار دارند به بیمار منتقل می‌شوند. اتصال پروماستیگوتها با ماکروفاژها و بلعیده شدن آنها توسط ماکروفاژها، منجر به شروع دوره جدیدی از زندگی انگل در داخل ماکروفاژها می‌شود. در داخل ماکروفاژها انگل به آماستیگوت غیر تاژکدار تبدیل شده با تقسیم دوتایی، تکثیر پیدا می‌کند. با پاره شدن ماکروفاژهای عفونی، آماستیگوتها بیرون ریخته و منجر به آلوده‌سازی سایر

* فرد مسوول مکاتبات: mmosaddegh@itmrc.org

[Downloaded from jiitm.ir on 2025-09-08]

ماکروفاژها می‌گردند. اگر آماستیگوتها توسط پشه بلعیده شوند، در بدن پشه مجدداً به پروماستیگوت تبدیل شده و جهت عفونت‌زایی مجدد نیازمند حداقل ۸-۷ روز می‌باشد. به طور کلی بیش از ۹۰ درصد موارد لشمانیوز پوستی در افغانستان، الجزیره، ایران، عراق، عربستان سعودی، سوریه، برزیل و پرو رخ می‌دهد(۱).

بیماری سالک در نواحی مختلف، اسامی محلی گوناگونی دارد. به عنوان مثال بلخیه(۲) ریش بلخی(۶-۳)، حبه بغدادی(۷)، کورک بغدادی، زخم شرقی، زخم bouton doreint, Aleppo evil, Uta, Pain bois, Chiclero همگی نامهای محلی بیماری می‌باشند (۱).

زخم سالک ابتدا به صورت یک برآمدگی قرمز رنگ بوده و سپس به گره سفت و کبود رنگی تبدیل می‌شود و اندازه آن معمولاً ۳-۱ سانتی متر بوده ولی گاهی به ۸-۵ سانتی متر هم می‌رسد. در بعضی از بیماران تا آخر دوره به همین صورت باقی می‌ماند و ممکن است روی آن پوسته پوسته شود (سالک خشک)، و در گروهی دیگر زخم مرطوب بوده و ترشحات سیال زرد رنگ از آن خارج می‌گردد (سالک مرطوب)(۱).

۳. سالک در متون طب سنتی ایران

گزارشهای متعدد این بیماری در متون کهن طب سنتی به طور مشخص نشان دهنده فرم پوستی و پوستی- مخاطی این بیماری می‌باشند. این بیماری احتمالاً در طب یونان شناخته و درمان شده است زیرا که محمد ابن زکریای رازی (ف۳۱۳ ق) در الحاوی به نقل از کتاب کیموسن جالینوس (ح قرن۲م) به اثرات زیان‌آور خرما در تشدید اثر «بلخیه» اشاره نموده است (۱/۲). وی در همان‌جا عناوین یکی از فصول را به «قوبا و التقشر و البلخیه» اختصاص داده است و به نقل از «مجهول»، درمانی دارویی برای ریش بلخی ذکرکرده است (۲/۲). مجهول، للبلخیه فی الید و الرجل: دق الکمون و انخله و یدق بالقطران و یطلی بعد أن یغسل بالماء الحار نعماً و یترک لیله و عند الصبح یوضع فی الماء الحار و یغسل به ایضاً و یعاد علیه یبرأ فی مرات. نقل از مجهول برای (درمان) بلخیه در دست و پا: زیره را بکوبید و پوست آن را جدا کرده (زیره) با قطران کوبیده شود. پس از آن که با آب گرم به خوبی شسته شد، (بر زخم) مالیده و یک شب (در این حالت) گذاشته شود و در هنگام صبح (روز بعد) در آب گرم گذاشته و با آن شسته شود و (این عمل) چند بار تکرار شود که موجب بهبودی می‌گردد.

رازی در جزء سیزدهم از کتاب الحاوی، عنوانی را به «فی‌البخلیه بحسب الاعضاء» اختصاص داده است و در آن جا به نقل از کتاب «الموت السریع» جالینوس ضمن بیان اینکه بیماری به علّت گزش نوعی گزنده بوجود می‌آید، آن را علاج ناپذیر توصیف کرده است(۳/۲). «قال: من ظهرت به قرحه من حصف أو لذعه دابه فصارت شبه النواصیر لم یقدر علی‌علاجه». [نویسنده کتاب الموت السریع] می‌گوید اگر در کسی زخمی از «حصف»[۹] یا گزش جانوری پدید آمده باشد و [آن زخم] شبیه به نواصیر شده باشد درمان آن مقدور نمی‌باشد.

در جایی دیگر رازی به نقل از کتاب «تجارب المارستان»[۱۰] در برخورد با زخم بلخی پیشنهاد کرده است که مکوی (آلت داغ کننده) بر روی زخم قرار گیرد و زخم سوزانده شود آنگاه با پارچه‌ای خشن محل داغ کردن خارش داده شود تا قسمتهای سوخته شده ریزش پیدا کنند. پس از آن دوباره آلت داغ کننده بر روی محل قرار داده شود تا به گوشت سالم (که در این صورت موجب درد شدید می‌گردد) و یا استخوان برسد. در صورت برخورد با استخوان اگر استخوان فاسد شده باشد بسته به میزان فساد آن، بایستی به داغ کردن آن محل پرداخت. در هنگام این عمل بایستی دقت گردد که به مجاری اعصاب و سر عضلات و رباطها آسیبی وارد نگردد. مفاصل بدترین محلهای داغ کردن هستند(۴/۲).

علی بن ربن طبری (ف ۲۶۰ق) از این بیماری در فردوس الحکمه نامی به میان نیاورده است (۹). ابوبکر ربیع بن احمد اخوینی بخارائی (ف۳۷۳ ق) ریش بلخی را از جمله زخمهایی برشمرده است که از خون صفرائی پدید می‌آید. وی که خود روزگاری به این زخم مبتلا بوده است، آن را بد ریش برشمرده و به نقل از دیگران، منشأ آن را از پشه گزیدن دانسته است. او در درمان این بیماری از داغ کردن زخم نامی نبرده و هیچگونه مرهم یا روغنی را در درمان آن مؤثر نمی‌داند. به گفته وی از ابتدا بایستی زخم را «با سرکا[۱۱] تر باید نمودن و برنهادن» تا

[Downloaded from jiitm.ir on 2025-09-08]

موجب خشک شدن زخم شود. وی ضمن ارائه درمانهای گوناگون گیاهی، آخرین علاج بیماری را استعمال داروهای سعفه[۱۲] (شیرینک، نوعی کچلی سر) برشمرده است (۶).

ابن سینا (۳۷۰ –۴۲۷ق) وجه تسمیه آن را پیدایش فراوان این بیماری در سرزمین (بلخ) برشمرده است (۴). «منسوباً الی بلده یکثره حدوثها فیه لقولهم القروح البخلیه» منسوب به سرزمینی که در آنجا بسیار رخ می‌دهد و به قول آنها زخمهای بلخی (نامیده می‌شود). همچنین بوعلی این بیماری را از جنس بیماری سعفه، بدخیم دانسته و علت آن را گزش پشه خاکی ذکر کرده و درمان بیماری را نیز مثل درمان سعفه بدخیم دانسته است (۴).

مفصل‌ترین گزارش از علائم بالینی این بیماری را می‌توان به قلم سید اسماعیل جرجانی (ف۵۳۱ ق) در ذخیره خوارزمشاهی ملاحظه کرد. جرجانی آن را زخمی سطحی برشمرده است که از پهنا گسترش می‌یابد. او «خفقان»، غشی، تب و یا عدم وجود تب را از دیگر علائم احتمالی این بیماری می‌داند. وی همانند ابن سینا علت نامگذاری این بیماری را فراوانی آن در بلخ دانسته است. به گفته وی، اهل بلخ آن را پشه گزیدگی (در جای دیگر السنه گزیدگی) گویند و در «رباط کوهستان» که در نزدیکی گرگان است، بسیار دیده می‌شود که آن را سناکر (سناخر) نیز می‌گویند (۳).

جرجانی در کتاب الاغراض‌الطبیه و المباحث‌العلائیه به درمان این بیماری اشاره نموده، و تقریباً همان درمانهایی را که در کتاب ذخیره خوارزمشاهی ذکر نموده، تکرار کرده است(۱۰) و در کتاب خفی علایی نیز بدون هیچگونه توضیحی از علت بیماری، تنها به بیان درمان‌هایی برای آن اکتفا نموده است (۵).

حکیم نورالدین محمد شیرازی (۱۰۲۴ – ۱۰۶۹ق) در کتاب علاجات دار شکوهی این زخم را از جنس سعفه (شیرنک) می‌داند و مانند اطباء ماقبل خود علت بیماری را "پشه خوردگی" برشمرده است(۸).

۴. درمان سالک

درمان سالک در متون طب سنتی در میان طبیبان قرون مختلف تنوع بسیار داشته است.

- داغ کردن و سوزاندن ضایعه

رازی در الحاوی به نقل قول از آرای پزشکان دیگر، داغ کردن محل زخم و سوزاندن ضایعه و جداسازی بافتهای سوخته شده را به عنوان یکی از درمانهای پیشنهاد شده ذکر کرده است (۴/۲).

- خون‌گیری (۳، ۵)
- پاکسازی (خلط) صفرا (از بدن)(۳، ۵)
- استفاده از داروهای خوراکی: شراب غوره، شراب زرشک، شراب ریواج، شراب لیمو، قرص کافور(۵)
- استعمال داروهای مالیدنی:

زراوند، زنگار، اشق، مقل، خردل و زاج به نسبتهای مساوی با روغن گندم و سرکه و کمی عسل به صورت مرهم (۴).

مالیدن مرهم اسفیداج بر زخم (۳، ۵)

مالیدن صندل و گلاب بر دل (۳)

- استعمال غذاهای معتدل که میل به سردی و رطوبت دارد (۳)
- داروهای گذاشتنی(ضماد):

اشق، سرکه و صبر(۸)، صبر، مر، کندر، زعفران، خون سیاوشان و سپس شستن محل با آب سرد(۶)، زیره کوبیده شده همراه با قطران و شستن محل با آب گرم(۲/۲)

- تنقیه(۸)
- انتقال بیمار از هوای گرم به هوای خنک (۳)
- استعمال داروهای درمان کننده سعفه(۴، ۶)

۵. چشم انداز

بررسی متون طب سنتی نشان می دهد که حکمای ایرانی اسلامی سالک را به خوبی می شناخته و توصیف نموده اند و داروهایی طبیعی بسیاری را برای درمان آن ذکر کرده اند. این داروهای سنتی می تواند دستمایه تحقیق و معرفی داروهای موثری برای درمان این بیماری باشد.

منابع

۱. ترجمه کامل اصول طب داخلی هاریسون، ج ۲. تهران: طبیب. ۱۳۸۱؛ ص ۲۵۰۲.

[Downloaded from jiitm.ir on 2025-09-08]

۲. رازی. الحاوی. بیروت: دارالکتب السلامیه.۱۴۲۱.
۱/۲. جزء بیست و یک. ص ۲۵۲
۲/۲. جزء بیست و سوم، صص ۳۴و۳۵
۳/۲. جزء سیزدهم ص ۲۵
۴/۲. جزء سیزدهم ص ۸۳
۳. جرجانی، سید اسماعیل. ذخیره خوارزمشاهی. چاپ عکسی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۵۵؛ صص ۷۱ و۵۹۳.
۴. ابن سینا، حسین. القانون. تهران: چاپ سنگی. ۱۲۹۶ هجری قمری.
۵. جرجانی، سید اسماعیل. خفی علایی. تصحیح ولایتی، علی اکبر، نجم آبادی، محمود. تهران: انتشارات اطلاعات. ۱۳۸۰؛ ص۲۴۰.
۶. اخوینی بخاری. هدایه‌المتعلمین فی الطب. مشهد: دانشگاه فردوسی. ۱۳۷۲؛ ص۶۱۴.
۷. رازی. المنصوری. کویت: المنظمه العربیه للتربیه و الثقافه و العلوم. ۱۴۰۸هـ‌ق؛ ص۶۵۱.
۸. شیرازی، نورالدین. علاجات دارشکوهی. نسخه خطی مجلس شورای اسلامی. شماره ۶۲۲۶. ص۱۱۵۲.
۹. طبری. فردوس الحکمه. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳.
۱۰. جرجانی، سید اسماعیل. الاغراض‌الطبیعه و المباحث العلائیه. تصحیح تاجبخش، حسن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۸۴؛ ص ۸۳۱.

پی‌نوشت‌ها

1. L. tropica
2. L. major
3. L. aethiopica
4. L. mexicana complex
5. Viannia
6. L. donovani complex
7. Phelebotomus
8. Lutzomyia

۹ خشک پوست

۱۰ برخی این کتاب را از تالیفات رازی دانسته‌اند اما از آنجا که رازی در الحاوی با توجه به کثرت منابع و مآخذ استفاده شده، در هیچ مورد (تا آنجا که رویت شد) به تالیفات خویش ارجاع نداده است ، این انتساب به رازی بعید است هرچند که انتساب این کتاب به جالینوس قوّت بیشتری دارد.

۱۱ سرکه

۱۲ Favus: نوعی بیماری قارچی که موجب کچلی سر می‌گردد

[Downloaded from jiitm.ir on 2025-09-08]